

بررسی و مطالعه آثار دوره اسلامی محوطه خوربس در جزیره قشم

سیروان محمدی قصریان^۱

محمد ابراهیم زارعی^۲

چکیده

کلیدواژگان

خلیج فارس؛ جزیره قشم؛ محوطه خوربس؛ دوره اسلامی؛

سفال

مقدمه

جزیره قشم، همواره بدلیل موقعیت جغرافیایی خاصی که در جغرافیای طبیعی ایران، بویژه حاشیه خلیج فارس داشته در دوره‌های مختلف تاریخی محل سکونت بوده است. در بررسیهای صورت گرفته در جزیره قشم، آثار و محوطه‌های باستانی زیادی در جای‌جای جزیره شناسایی شده‌اند که شاهدهی بر این مدعا هستند. درصد قابل توجهی از آثار شناسایی شده را محوطه‌های دوران تاریخی، بخصوص دوره‌های اسلامی تشکیل میدهند که نشان از اهمیت این جزیره در مبادلات تجاری در دوران یادشده دارند.

آثار دامنه غار تاریخی خوربس، با وسعتی بیش از ده هکتار از جمله وسیعترین و غنیترین محوطه‌های باستانی جزیره قشم بحساب می‌آیند. این محوطه، در فاصله ده کیلومتری جنوب غربی شهر قشم قرار دارد. بهترین و آسانترین راه دسترسی به این محوطه از راه جاده قشم به «رمچاه» است که دقیقاً از وسط محوطه نیز عبور میکند. در حال حاضر نزدیکترین محوطه مسکونی به این محوطه، همان روستای رمچاه است که در فاصله سه کیلومتری غرب آن قرار دارد. محوطه خوربس، دربرگیرنده مجموعه‌یی از آثار باستانی، مانند غارهای دستکند، بنای امامزاده شاه شهید، آب‌انبار،

محوطه^۱ خوربس، واقع در جزیره قشم، حدود ده هکتار وسعت دارد. این محوطه باستانی دربرگیرنده مجموعه آثار ارزشمندی از دوران پیش از تاریخ تا سده‌های متأخر اسلامی است. بر اساس بررسیهای سطحی انجام گرفته، مشخص شد که شمار قابل توجهی از آثار این محوطه باستانی، متعلق به دوران متأخر اسلامی است. آثار عمده این محوطه استقرار، شامل: معماری سنگی، گورهای اسلامی، محوطه مسکونی، امامزاده، آب‌انبار، کانالهای هدایت آب و بند خاکی است. هدف این نوشتار، بررسی، مطالعه و گاهنگاری آثاری از این محوطه است که تاکنون پژوهشی مستقل درباره آن انجام نشده است. بنابراین تأکید اصلی پژوهش حاضر بر این است که طی بررسیهای انجام شده اهمیت این منطقه در آن زمان چه بوده و چگونه میتوان گاهنگاری آثار منطقه را انجام داد؟ پیش‌فرض تحقیق نشانگر این است که این منطقه به لحاظ موقعیت سوق‌الجیشی، نقش مهمی در مبادلات دریایی داشته و همین امر موجب شده است که توجه ویژه‌یی در سده‌های اخیر به آن شود. یافته‌های پژوهش نشان داد که این منطقه بعنوان یک بندر تجاری اهمیت بسزایی در صادرات و واردات کالاهای مناطق شمال و جنوب خلیج فارس در دوره‌های متأخر اسلامی داشته است.

۱. پژوهشگر بنیاد ایرانشناسی شعبه استان کردستان؛

mohammadi.sirvan@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان و سرپرست بنیاد ایرانشناسی (شعبه استان کردستان)

رسانده است. همچنین وی اولین پژوهشگری است که به وجود آثار دوران تاریخی در محوطه اشاره میکند (همانجا). از دیگر محققان داخلی که بطور جامع به بررسی آثار محوطه خوربس پرداخته‌اند، میتوان به بررسیهای خسروزاده در سال ۱۳۸۵ اشاره کرد (خسروزاده، ۱۳۸۵). بررسیهای نامبرده نخستین بررسی روشمند باستان‌شناختی انجام گرفته در خوربس محسوب میشود که آثار محوطه را بطور جداگانه مورد پژوهش قرار داده است. وی قدمت بیشتر آثار محوطه را به قرون میانی و متأخر اسلامی نسبت میدهد و سخنی از آثار دوران قدیمی‌تر به میان نمی‌آورد؛ بند خاکی، کانالهای هدایت آب و گورستان اسلامی شماره ۳ از جمله آثاری هستند که برای اولین بار در این نوشتار معرفی میشوند. خسروزاده در بررسیهای خود از آثاری که نام برده شدند، نامی به میان نیاورده است. علاوه‌برین، خسروزاده وسعت آثار دامنه غار خوربس را ۱۰۰ در ۱۵۰ متر تخمین زده است. در حالی که در گمانه‌زنی انجام گرفته، وسعت محوطه بسیار بزرگتر از اندازه تخمینی خسروزاده دانسته شده و این اندازه در حدود هشتصد در هشتصد متر است. پژوهشهای صورت گرفته توسط سایر محققان ایرانی نیز بیشتر بر روی غارهای دستکند و معماری آن تمرکز داشته (قسیمی و پیرمادی، ۱۳۹۲؛ بلوکباشی، ۱۳۸۰؛ نگهبان و جمادی، ۱۳۹۱؛ مرداسنگی، ۱۳۹۵) و آثار اطراف و دامنه غار، کمتر مورد توجه بوده است. همانطور که ذکر شد آثار خوربس مورد توجه محققان خارجی نیز بوده است که از این جمله میتوان به بررسیهای باستان‌شناختی انجام شده توسط C. A. Ptrie و D. T. Potts در سال ۲۰۰۴ م اشاره کرد. نامبردگان در کنار بررسی سایر آثار جزیره، یکی از آثار محوطه خوربس (بنای سنگ‌چین نزدیک امامزاده شاه‌شهید) را نیز یاد میکنند. آنها بر اساس سفالهای سطحی محوطه معتقدند که قدمت آن به دوره ساسانی میرسد. این عقیده برخلاف نظر خسروزاده است که قدمت این بنا را به قرون میانی اسلام نسبت میدهد. از چند دهه پیش تاکنون، غار خوربس و آثار اطراف آن بصورت موردی، توجه پژوهشگران را بخود معطوف کرده است؛ ولی تاکنون همه آثار بطور یکجا مورد بررسیهای باستان‌شناختی قرار نگرفته‌اند. به جرئت میتوان گفت مطالعاتی که نگارندگان روی غار خوربس و محوطه‌های اطراف آن انجام داده‌اند، کاملترین تحقیق

گورستانهای اسلامی و تاریخی، بندها و خاکریزهای مربوط به تأسیسات آبرسانی و محوطه دامنه غار است (تصاویر ۲۱). متأسفانه قسمتهای زیادی از محوطه در نتیجه ساخت‌وسازهای غیرمجاز و نیز فعالیتهای زراعی و نیز جاده‌سازی، تخریب جدی شده است. در نتیجه، بمنظور مشخص کردن محدوده اصلی اثر و قانونی کردن عرصه آن و محافظت از آثار باقی‌مانده و نیز با هدف تعیین عرصه اثر، در نوزده نقطه، گمانه‌زنی انجام گرفت. ۱. علاوه‌بر گمانه‌زنی انجام گرفته، آثار سطحی محوطه نیز مورد بررسی باستان‌شناسی قرار گرفت. در نتیجه مشخص شد که بخش اعظم آثار محوطه، متعلق به دوران اسلامی متأخر است. این آثار، شامل سه گورستان، بنای آب‌انبار و کانالهای هدایت آب از آب‌انبار، بند و آثار و بناهای سنگی هنوز سرپای محوطه است که در ادامه بدانها اشاره خواهد شد. در این پژوهش اهمیت محوطه و چگونگی گاهنگاری آثار در دوره اسلامی مورد بررسی قرار میگیرد. پیش‌فرض تحقیق، نشانگر این است که این منطقه بلحاظ موقعیت سوق‌الجیشی، نقش مهمی در مبادلات دریایی داشته و همین امر موجب توجه ویژه به آن در سده‌های اخیر شده است.

پیشینه پژوهش

غار خوربس و آثار پراکنده در دامنه و اطراف آن، همواره متوجه محققان بوده است. این محوطه توسط پژوهشگران خارجی و داخلی در چندین نوبت مورد بررسی باستان‌شناختی قرار گرفته است. بنظر میرسد که قدیمی‌ترین پژوهشهای باستان‌شناختی صورت گرفته در محوطه خوربس، مربوط به بررسیهای بابک راد، قبل از انقلاب اسلامی است (بابک راد، ۱۳۵۰). نامبرده خود، غار دستکند خوربس و آثار دامنه را مورد توجه قرار داده و مطالبی درباره آنها به چاپ

۱. پروژه گمانه‌زنی بمنظور مشخص کردن عرصه و پیشنهاد حریم آثار دامنه غار با مجوز شماره ۹۵۳۱۴۱/۰۰/۲۳۳۵ مورخ ۹۵۳۱۴۱/۰۰/۲۳۳۵ از سوی پژوهشکده باستان‌شناسی و توسط تیمی به سرپرستی سیروان محمدی قصریان و با نظارت سر کار خانم سمیه پودات از اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان هرمزگان، بمدت پنجاه روز از تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۰ لغایت ۱۳۹۵/۵/۳۰ صورت پذیرفت. در اینجا لازم است از خانم دکتر حمیده چوبک بخاطر صدور مجوز گمانه‌زنی، بمنظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه تشکر کنیم. حمایت‌های بی‌دریغ مدیر کل محترم میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری میراث قشم جناب آقای عبدالجواد کمالی و دیگر همکاران آقایان عباس نوروزی، اکبر پیرمادی، عبدالرضا دشتی‌زاده و اعضای محترم هیئت سرکار خانم سمیه پودات، ایمان ساعدی و آرمان مهدیان را ارج مینهم.

گرفت؛ بعنوان مثال سفالهای قسمتهای نزدیک به ساحل دریا از دیگر قسمتهای محوطه استقرار جدا نمونه برداری شد. در آخر نیز نحوه و موقعیت و پراکندگی آثار بر روی یک نقشه، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. روش انجام این پژوهش، تاریخی - تحلیلی است که مبتنی بر بررسیهای میدانی و مطالعات کتابخانه‌یی است. در آغاز کار، محوطه مورد مطالعه، بصورت پیمایشی بررسی شدند و در مرحله بعد، آثار، مورد شناسایی واقع و در نهایت با بررسی منابع و مدارک کتابخانه‌یی، آثار بدست آمده، تاریخ گذاری و تحلیل لازم بر روی آنها انجام شد.

توصیف و گاهنگاری آثار دوران اسلامی محوطه خوربس

۱. محوطه استقرار

بیشترین میزان آثار سطحی دوران اسلامی محوطه خوربس، متعلق به محوطه استقرار آن است. بخش مسکونی از قسمت دامنه غار شروع و تا کنار دریا ادامه دارد. جاده آسفالتت ساحلی دقیقاً از وسط محوطه عبور میکند! علاوه برین ساختوسازهای زیادی در سطح محوطه انجام گرفته که در نتیجه آن صدمات جبران ناپذیری به محوطه وارد شده است. محوطه بر روی پشته‌های کم ارتفاعی شکل گرفته است. بر اساس نتایج گمانه زنی مشخص شد که این پشته‌های کم ارتفاع، طبیعی نبوده و دربرگیرنده نهشته‌های دوران اشکانی- ساسانی است. بر سطح محوطه مسکونی، میتوان آثاری از دیوارهای سنگ چین را مشاهده کرد. در بعضی نقاط، حتی دیوارها تا چندین رج سرپا بوده و براحتی میتوان پلان بناها را تشخیص داد. بناها بصورت اتاقهای کوچک چندمتری راست گوشه‌یی هستند که در سراسر سطح محوطه پراکنده شده‌اند. دو نمونه از این بناها در تصاویر هوایی براحتی قابل شناسایی هستند (تصاویر ۳-۸). سفالهای سطحی گردآوری شده، نشان میدهد که قدمت احتمالی این بناها مربوط به دوره صفویه و دوره‌های بعد از آن است (تصاویر ۹-۱۱). در سطح محوطه بغیر از تکه‌های سفال - که بوفور دیده میشود - قطعات زیادی صدف، قطعات آهن و شیشه نیز دیده میشود. به همراه محوطه استقرار اصلی، دو بنای منفرد دیگر نیز در آنجا دیده میشود که جدا و در فاصله دورتری از محوطه اصلی قرار دارند. نخستین بنای منفرد، در فاصله تقریبی ۱۵۰ متری از شمال محوطه جای دارد. هرچند که هر دوی

در این زمینه محسوب میشود و در آن تمامی آثار را از دوره پارینه سنگی تا قرون متأخر اسلامی مورد توجه قرار داده‌اند.

در این مقاله، نگارندگان، فقط آثار دوره اسلامی محوطه خوربس را مورد مطالعه و بررسی قرار داده و نتایج آن را در اختیار علاقمندان قرار میدهند.

هدف تحقیق

آثار دوران اسلامی محوطه خوربس در محدوده وسیعی، به طول و عرض تقریبی هشتصد متر پراکنده شده و در برگزیده آثار مختلفی نظیر آبنبار، گورستان، بندهای خاکی، امامزاده و محوطه‌های استقرار است. همانطور که بیان شد، تحقیقات انجام گرفته در گذشته تمامی آثار را بصورت یکجا مورد توجه قرار نداده و همواره قسمتی از آنها مورد پژوهش قرار گرفته‌اند؛ اما در این نوشتار سعی بر این است که برای اولین بار تمامی آثار در ارتباط با هم مورد تحقیق قرار گیرند. نتیجه این دیدگاه کلی نیز این است که آنها بی ارتباط با هم نبوده و همگی یک ساختار واحد را نشان میدهند. هرچند نظریه‌ها و نتیجه‌گیریهایی که در ادامه ارائه خواهند شد، تنها بر اساس بررسیهای سطحی بوده و تأیید آنها نیازمند کوششهای باستان‌شناختی گسترده در آینده است.

روش تحقیق

هرچند که هدف اصلی پروژه، گمانه‌زنی بمنظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم آثار دامنه غار دستکند خوربس است؛ ولی انجام بررسیهای باستان‌شناختی محوطه قبل از گمانه‌زنی بسیار ضروری است. در نتیجه با هدف بدست آوردن دیدی کلی از محوطه، قبل از گمانه‌زنی تمامی آثار سطحی و قابل رؤیت بصورت جداگانه مورد بررسی پیمایشی قرار گرفتند. هر اثر بصورت مجزا و جدا از دیگر آثار مورد مستندنگاری قرار گرفت. از سطح و دامنه هر یک از آثار، قطعات سفالینی بصورت جداگانه برداشته شد؛ بعنوان مثال، موقعیت آبنبار در جوار محوطه استقرار اصلی است؛ اما نمونه سفالهای آن، تنها از قسمت ورودی آبنبار برداشته شد و با سفالهای چندمتر آن طرفتر محوطه استقرار بصورت درهم قرار نگرفت. در مورد خود محوطه استقرار نیز نمونه برداری بصورت روشمند انجام

غار خوربس واقع شده‌اند؛ ولی گورستان شماره ۳ در پشت غار و در کنار بنای امامزاده شاه شهید، در ضلع شرقی محوطه جای دارد. این گورستان از نظر ابعاد و اندازه هم‌اندازه با گورستان شماره ۲ است؛ ولی بر سطح آن سنگ گورهای جدید دیده نمی‌شود. با توجه به ساختار گورها بنظر میرسد که این گورستان نیز هم‌دوره با گورستان شماره ۱ باشند.

• آب‌انبار

آب‌انبار محوطه در ضلع شرقی محوطه جای دارد. جاده آسفالتی ساحلی از فاصله بیست‌متری جنوب آن می‌گذرد. بنای آب‌انبار کاملاً سالم و سرپاست. طول این آب‌انبار در حدود بیست‌متر اندازه‌گیری شده است. آب‌انبارهای مشابهی در سراسر جزیره شناسایی شده‌اند (خسروزاده، ۱۳۸۵). قدمت این بناها به دوره قاجار و پهلوی میرسد (همانجا). بررسی سفالهای جمع‌آوری شده از دامنه آب‌انبار نیز مؤید همین مطلب است (تصاویر ۲۴-۲۵).

• کانال هدایت آب

مخزن آب‌انبار یادشده در اثر بارندگیهای فصل پاییز و زمستان جزیره پر میشود. آب حاصل از بارندگی در ارتفاعات بالادست آب‌انبار، بوسیله یک رشته خاکریز طولانی به داخل مخزن آب‌انبار هدایت میشود. خاکریز یادشده، طولی بیش از پانصد متر دارد. آب دامنه‌های دیگر محوطه نیز بوسیله بندهای سنگ‌چین‌احداثی در اطراف آب‌انبار به داخل آن هدایت میشود. با توجه به کاربری این کانالها و بندها در ارتباط با آب‌انبار، بنظر میرسد که قدمت آنها نیز هم‌دوره با آب‌انبار (قاجار و پهلوی) باشد (تصاویر ۲۶ و ۲۷).

• بند خاکی

از جمله دیگر سازه‌های مربوط به هدایت و کنترل آبهای سطحی، بند خاکی عظیمی است که در فاصله تقریباً ۱۵۰۰ متری غرب غار خوربس جای دارد. این بند خاکی، دارای طولی بیش از یک کیلومتر است. بیشترین ارتفاع اندازه‌گیری شده بند در حدود دو متر است. بند بر روی رودخانه‌یی که در ضلع غربی محوطه جریان دارد، احداث شده است؛ هرچند که این رودخانه، در فصول گرم سال خشک است. سفالهای

این بناها از محوطه اصلی فاصله دارند؛ ولی ساختار سنگی آنها کاملاً شبیه ساختار بناهای محوطه است (تصویر ۱۲). سفالهای سطح آنها نیز هم‌دوره سفالهای سطحی محوطه است. بنای دوم در فاصله دورتری از محوطه مسکونی و در کنار بنای امامزاده شاه‌شهید واقع شده است (تصاویر ۱۳-۱۴). این بنا اولین بار مورد بررسی دانیل پاتس قرار گرفت. نامبرده از یک سازه دفاعی دوران اشکانی- ساسانی یاد میکند (Potts and Ptrie, 2004). خسروزاده در سال ۱۳۸۴ برای بار دوم بنا را مورد بررسی قرار داده و در نتیجه قدمت بنا را مربوط به دوره سلجوقی و صفویه دانسته است. سفالهای سطحی جمع‌شده اخیر از سطح محوطه، نشان از دو دوره‌یی بودن قدمت بنا (تاریخی-اسلامی) دارد. این مطلب از مطالعه دیواره چالهی که بصورت غیرمجاز در وسط بنا حفر شده، قابل مشاهده است. در این قسمت میتوان بقایای کف دوران اسلامی را دید که بر روی نهشته‌های دوران تاریخی (اشکانی - ساسانی) جای گرفته‌اند (تصاویر ۱۵-۱۶). این آثار عبارتند از:

• گورستانهای محوطه

در سطح محوطه، سه گورستان دیده میشود. گورستان اصلی (شماره ۱)، بزرگترین گورستان محسوب میشود و بخش زیادی از وسعت محوطه تاریخی دامنه غار خوربس را بخود اختصاص داده است. محوطه استقراری در جوار این گورستان جای دارد. بدلیل وجود تعداد زیادی گور، امکان شمارش دقیق آنها میسر نبود. گورستان نیز همانند محوطه مسکونی، روی آثار دوران تاریخی واقع شده است. گورها در اندازه و اشکال مختلف دیده میشوند. در میان آنها گورهای ساده و بدون سنگ مزار تا گورهای دارای سنگ قبر کتیبه‌دار دیده میشود که احتمالاً نشان‌دهنده خاکسپاری افرادی با طبقات اجتماعی متفاوت است (تصاویر ۱۷-۲۳). به احتمال زیاد این گورستان محل خاکسپاری ساکنان محوطه استقراری کنار آن است. گورستان شماره ۲ که از نظر ابعاد و اندازه، بر مراتب کوچکتر از گورستان شماره ۱ است، در فاصله دورتری از دامنه غار قرار دارد. بررسی سفالهای سطحی گورستان نشان میدهد که این گورستان نیز همانند گورستان شماره ۱، روی آثار دوران اشکانی- ساسانی جای دارد. وجود دو سنگ قبر با شکل و شمایل امروزی نشان از استفاده این گورستان تا همین چندسال اخیر دارد. هر دو گورستان یادشده، در دامنه

میکنند (خسروزاده، ۱۳۸۵). نامبرده ویژگی بندرگاه‌های صیادی، صنعتی و تجاری را محوطه‌های بزرگ با مواد غنی از جمله سفال، تکه‌های شیشه، جوش کوره، سرباره فلز و مقادیر زیاد صدف و حلزون میداند (همانجا). جالب اینکه تمامی ویژگیهای یادشده، در مورد محوطه خوربس نیز صدق میکند.

نتیجه‌گیری

همانطور که ذکر شد، جزیره قشم دارای موقعیت ویژه و استراتژیک از دوران پیش از تاریخ تا قرون متأخر اسلامی در جغرافیای سرزمین ایران است. دانش و آگاهی ما از وضعیت باستان‌شناختی بیشتر دوره‌های جزیره بر پایه بررسیهای باستان‌شناختی است و کاوشهای اندکی تا بحال در این مورد صورت پذیرفته است. هرچند که اهمیت بررسیهای روش‌مند در روشن ساختن وضعیت محوطه‌های باستانی بر کسی پوشیده نیست؛ ولی تنها انجام کاوشهای گسترده است که گاهنگاری دقیق محوطه‌ها و نیز تعیین کاربری آنها را در پی خواهد داشت. وسعت محوطه که بر اساس گمانه‌زنی انجام گرفته، حدود هشتصد در هشتصد متر است که در نوع خود از جمله وسیع‌ترین محوطه‌های دوره اسلامی جزیره است. وسعت زیاد محوطه و نیز غنای محوطه از نظر آثار سطحی نشان میدهد که نمیتوان محوطه خوربس را یک محل استقرار معمولی فرض کرد. بطور حتم انجام کاوشهای گسترده باستان‌شناختی در آینده محوطه خوربس را به یکی از محوطه‌های مهم باستان‌شناختی نه تنها جزیره قشم؛ بلکه در سواحل جنوبی کشور تبدیل خواهد کرد.

منابع

- بلوکباشی، علی؛ جزیره قشم، صدف ناشناخته خلیج فارس، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۰.
- خسروزاده، علیرضا؛ گزارش فصل اول بررسی باستان‌شناختی جزیره قشم، تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده)، ۱۳۸۵.
- خسروزاده، علیرضا؛ گزارش فصل دوم بررسی باستان‌شناختی جزیره قشم، تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده)، ۱۳۹۱.
- قسیم، طاهر؛ اکبر، پیرمادی؛ غار خوربس از دیدگاه باستان‌شناسی، مرکز اسناد اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری منطقه آزاد قشم، ۱۳۹۲، صص ۸-۱.

جمع‌آوری شده از سطح محوطه، کاملاً مشابه سفالهای سطح محوطه خوربس و نشان از تاریخ‌گذاری احتمالی این بند به دوران متأخر اسلامی است. علاوه‌برین در قسمتهایی از این بند خاکی سازه‌های سنگ‌چینی دیده میشود که ساختار آنها کاملاً مشابه بناهای سنگی محوطه دامنه غار است (تصاویر ۲۸-۲۹).

بحث و تحلیل

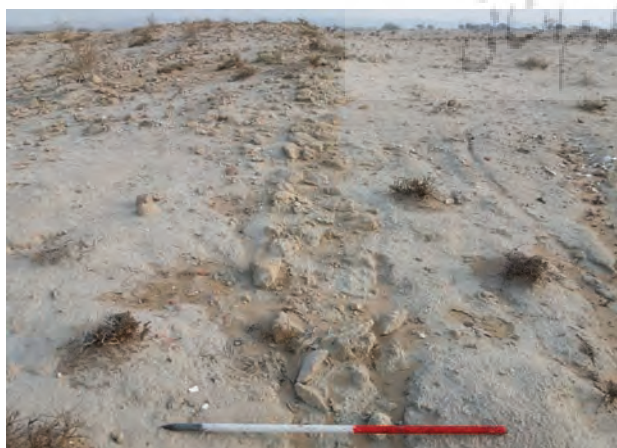
روش‌مندترین بررسیهای باستان‌شناختی صورت‌گرفته در جزیره قشم به دو فصل بررسی جزیره در سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۱ خسروزاده ختم میشود. با مطالعه گزارش این بررسیها آشکار میشود که بیشترین آثار شناسایی شده توسط نامبرده به دوران اسلامی و بویژه اواخر این دوره باز میگردد. سفالهای جمع‌آوری شده از سطح محوطه‌های دوره اسلامی متأخر سایر نواحی جزیره قشم، کاملاً مشابه با نمونه‌های محوطه خوربس است. بارزترین نمونه آنها سفالهای لعاب‌در آبی و سفیدی است که دقیقاً از هر نظر شبیه نمونه‌های خوربس است. از دیگر سفالهای کاملاً مشابه میتوان به سفالهای سیاه و خاکستری‌رنگی اشاره کرد که گاهی در نزدیک لبه‌های خود دارای تزئینات کنده‌کاری نیز هستند. نمونه این سفالها بوفور در سطح محوطه‌های خوربس و در گزارشهای خسروزاده نیز دیده میشود. بعد از گروه سفالهای آبی و سفید، این دسته از جمله عمومی‌ترین سفالهای محوطه‌های دوران اسلامی متأخر قشم بحساب می‌آیند. علاوه بر سفالها، آب‌انبارهایی نیز با ساختاری کاملاً مشابه نمونه خوربس در جای‌جای جزیره مورد بررسی قرار گرفته‌اند (همانجا). وجه مشترک دیگر آثار خوربس با دیگر آثار هم‌دوره در جزیره قشم گورستانهای آن است. در جای‌جای جزیره گورستانهایی با سنگ قبرهای مشابه خوربس دیده میشود؛ ولی هیچ‌کدام از نظر وسعت و تعداد قبرها قابل‌قیاس با نمونه خوربس نیستند و بیشتر نمونه‌هایی کوچک محسوب میشوند. برغم شباهتهای یادشده کمتر محوطه‌یی از دوره اسلامی در جزیره قشم دیده میشود که دارای این وسعت و پراکندگی آثار گوناگون در کنار یکدیگر باشند. این ویژگی فقط مخصوص به خوربس بوده و وجه تمایز اصلی محوطه از سایر آثار هم‌دوره جزیره است. خسروزاده در یک تقسیم‌بندی کلی محوطه‌های شناسایی شده جزیره قشم را به سه دسته بندرگاه‌های صیادی، بندرگاه‌های صیادی، صنعتی و تجاری و روستاهای کوچک و بزرگ تقسیم



تصویر شماره ۳: موقعیت پلان یکی از بناهای محوطه از روی تصویر هوایی



تصویر شماره ۴: موقعیت همان بنا از روی تصویر هوایی



تصویر شماره ۵: آثار همان بنا روی زمین

- نگهبان، محمد؛ جمادی، عارف؛ معماری قشم، تهران: نشر ماه و ما، ۱۳۹۱.

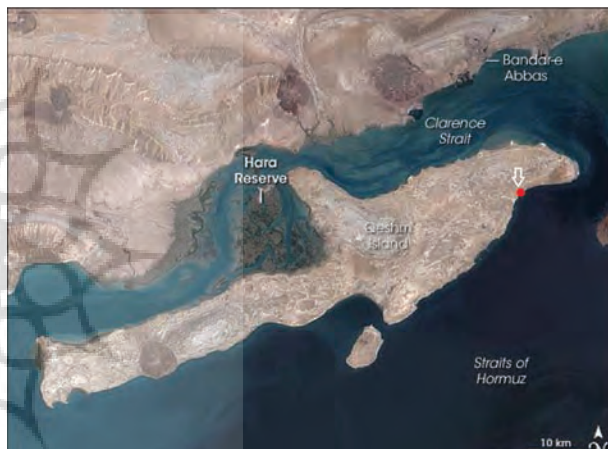
مقاله

- مرداسنگی، جلیل؛ «خوربس، غار راز آمیز مهر»، فصلنامه مطالعات خلیج فارس، سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۶)، تابستان ۱۳۹۵.

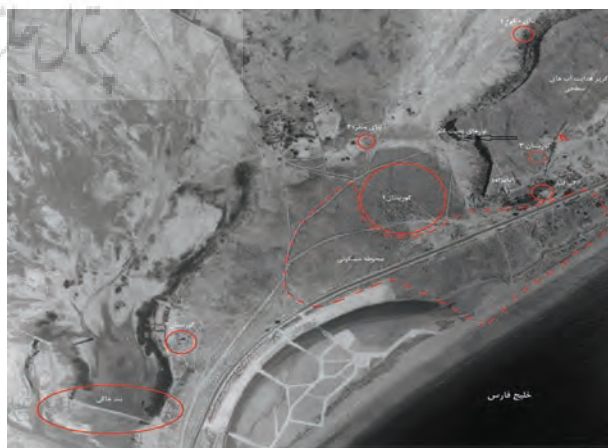
- بابک راد، جواد؛ «آثار ساسانی خلیج فارس (جزیره قشم)»، بررسیهای تاریخی، جلد ششم، شماره چهارم، ۱۳۵۰، صص ۱-۳۰.

منبع لاتین

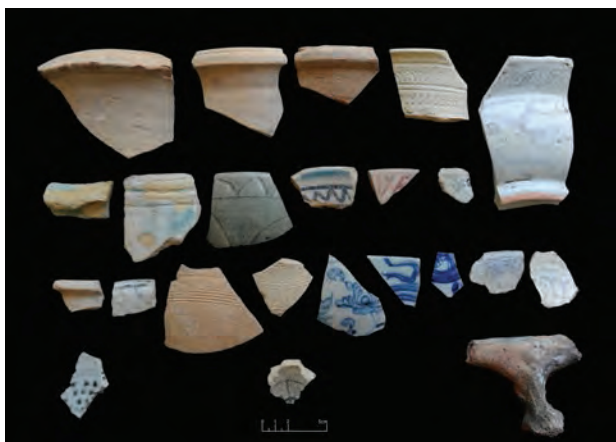
- Potts, D. T. and C. A. Ptrie. 2004. Report on a Brief Reconnaissance of Archaeologically and Environmentally Significant Sites on Qeshm Island, QFZ: 1_30.



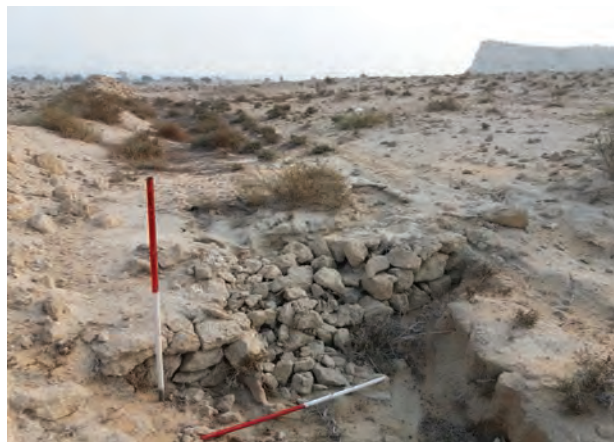
تصویر شماره ۱: موقعیت جغرافیایی محوطه خوربس در جزیره قشم (بعد از خسروزاده، ۱۳۸۵)



تصویر شماره ۲: موقعیت آثار دوره اسلامی محوطه خوربس از روی تصویر هوایی



تصویر شماره ۹: گروهی از سفالهای سطحی محوطه استقرار



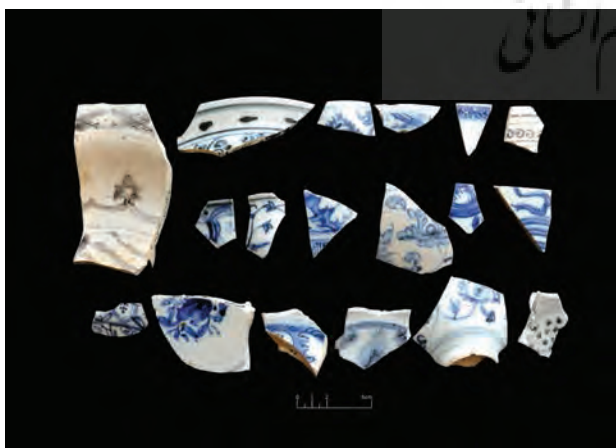
تصویر شماره ۶: یکی دیگر از دیوارهای همان بنا روی زمین



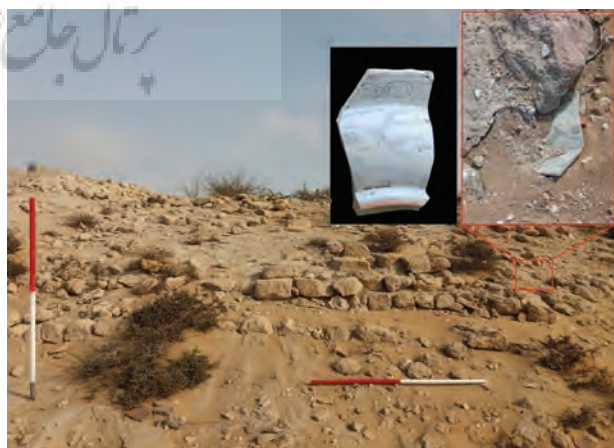
تصویر شماره ۱۰: گروه دیگری از سفالهای محوطه استقرار دوره اسلامی



تصویر شماره ۷: بنای دیگری از مجموعه بناهای محوطه مسکونی دوران اسلامی



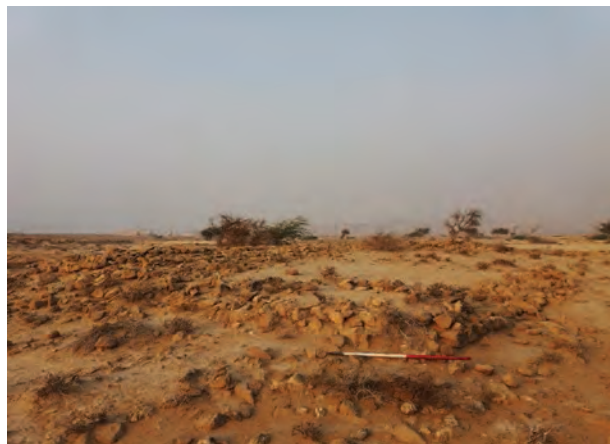
تصویر شماره ۱۱: منتخبی از سفالهای آبی و سفید محوطه استقرار



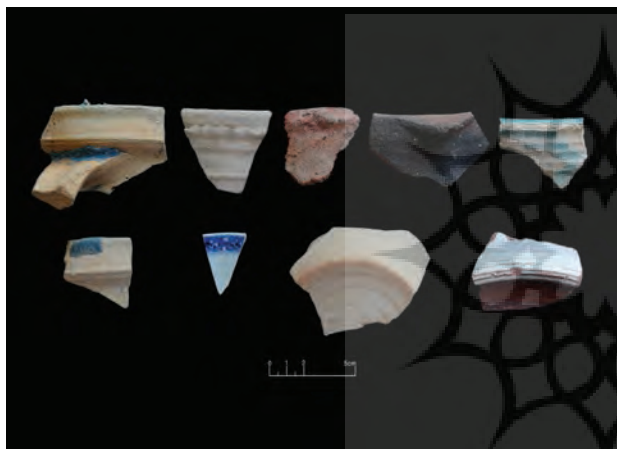
تصویر شماره ۸: دیوارهای سطحی یکی دیگر از بناها با سفالهای برجای مانده از دوران متأخر اسلامی



تصویر شماره ۱۵: قرارگیری کف دوران اسلامی روی آثار دوران تاریخی در برش آشکار شده از چاله حفاری غیرمجاز



تصویر شماره ۱۲: نمایی از یکی از ساختمانهای منفرد محوطه



تصویر شماره ۱۶: منتخبی از سفالهای بنای منفرد دوم که در میان آن سفالهای هر دو دوره اسلامی و تاریخی دیده میشود.



تصویر شماره ۱۳: موقعیت بنای منفرد دوم بر روی تصویر هوایی



تصویر شماره ۱۷: نمای کلی از گورستان اسلامی اصلی محوطه



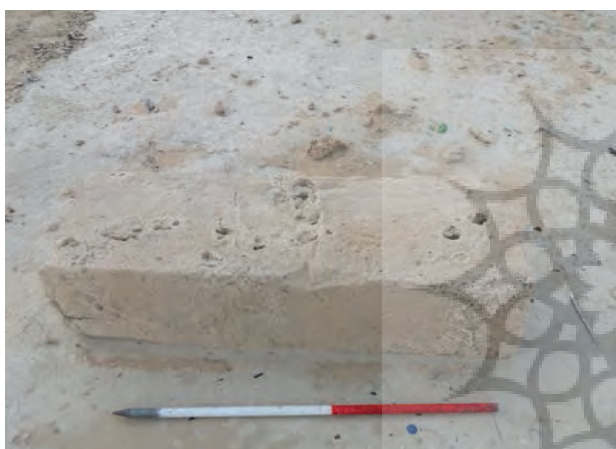
تصویر شماره ۱۴: موقعیت بنای منفرد دوم در لبه پرتگاه مسلط به دشت ارتفاعات شاه شهید



تصویر شماره ۲۱



تصویر شماره ۱۸



تصویر شماره ۲۲



تصویر شماره ۱۹



تصویر شماره ۲۳



تصویر شماره ۲۰

تصاویر شماره ۱۸-۲۳: سنگ قبرهای مختلف گورستان اسلامی محوطه



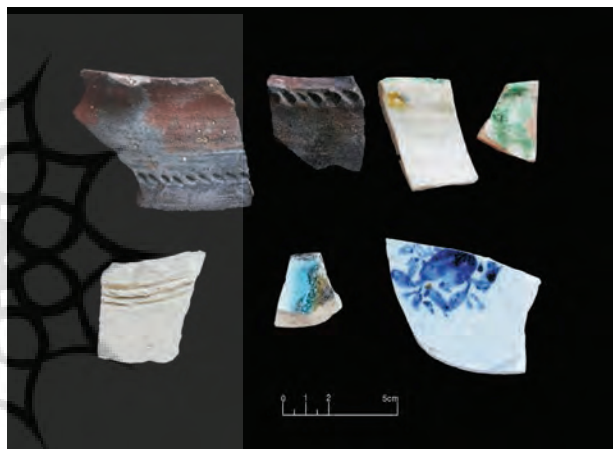
تصویر شماره ۲۷: تصویر زمینی از همان خاکریز



تصویر شماره ۲۴: دورنمایی از آب انبار محوطه



تصویر شماره ۲۸: نمایی از بند خاکی محوطه



تصویر شماره ۲۵: سفالهای دوران اسلامی متأخر جمع شده در دامنه سطحی آب انبار



تصویر شماره ۲۹: قطعات اندک سفالهای دوره اسلامی متأخر جمع شده از سطح بند



تصویر شماره ۲۶: تصویر هوایی از خاکریز هدایت آب